

جنگ

اعتراض

"به خاطر نوزاد دشمنش شاید"

(مجموعه ای از بحث‌های فرهنگی، تحلیل‌های سیاسی، مقالات اجتماعی، داستانها، پیامها و نامه‌های راهبردی)

رضا آیرملو

پروفسور جامعه‌شناسی - سوئد

به نشست سالانه کمیته مرکزی...

به اپوزیسیون ترقی خواه ایران برای
ایرانی آزاد، آباد، لائیک، عادل و
"عصر نو جهانی"

امروزه، بر اساس سازه های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و معماری، برای حفظ رکود و توسعه نیافتگی در ایران، یک پیوند و همسویی ارگانیک بین معماران نظم نوین جهانی و رژیم اسلامی به وجود آمده است.

حتی اگر کلید همه اختیارات جهانی در دست سیاست سازان و معماران نظم جهانی هم بوده باشد، که نیست!، نوع حضور، جانبداری و دخالت ما مردم ایران در این یا آنسوی قضایا و دسته بندی های سیاسی از نظر نوع سرنوشتی که برای ما رقم میزنند، نقشی کلیدی و تعیین کننده ایفا میکنند.

- برای تغییر این شرایط سخت تاریخی، اپوزیسیون ترقی خواه ایران مجبور به پیشبرد مبارزه رهنائی بخش در چند جبهه است، چرا که هم "رژیم بنیادگرای اسلامی" و هم "مناسبات نواستعماری خارجی"، محصول "عقب ماندگی تاریخی" کشور و جامعه ماست. عقب ماندگی یک ارثیه تاریخی است و "نظام اسلامی نواستعماری" موجود فقط یک حادثه از این گذر تاریخی است.

- در یک جامعه گرفتار پس افتادگی تاریخی، این فقط رژیم نیست که از شرایط عقب ماندگی بی که علت وجودی اش را تشکیل میدهد پاسداری میکند، بلکه اپوزیسیون و حتی نیروهای الیت آن نیز به این آسانی ها قادر به رها کردن خود از عواقب و عوارض عقب ماندگی و ریشه های پوسیده و زهرآگین فرهنگی و سنتی آن نمی شوند.

- دردمندانه باید اعتراف کرد که تا زمانی این بحرانها باقی اند، این اپوزیسیون و نهادها و سازمانهای مختلف آن قادر به تولید هیچ الترناتیو مناسب زمان و مکان امروزی، چه در عرصه های فکری، ایدئولوژیکی، فرهنگی و علمی، یا در زمینه های سیاسی و سازماندهی نخواهند بود.

دوستان و عزیزان شرکت کننده در نشست سالانه کمیته

مرکزی ...

طوفانی از تغییر و تحول، چه نیک یا بد، اما عظیم و جهانگیر، عرصه های مختلف جهان را در مینوردد. دوره پس از جنگ سرد جهانی دارد نظم

جهانشمول خود را بر سرتاسر جهان دیکته میکند. اما در این شرایط تاریخ ساز، کشور ما هنوز هم گرفتار درد "عقب ماندگی تاریخی" خود است. رژیم حاکم اسلامی (که خود محصول این عقب ماندگی تاریخی است)، با تحمیل نظام بس ارتجاعی بنیادگرایانه اسلامی خود به همه عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورمان، بر آن است تا این شرایط رو به زوال تاریخی را همچون بستر و علت وجودی خود ابدی سازد.

همزمان، از سوئی سرزمین ما در تقسیم جهانشمول این نظم جهانی پسامدرنیسم "استعمار نو" به عنوان حلقه حاشیه ای متکی به درآمد "تک محصول نفتی" به کار گرفته میشود، و از سوی دیگر، جغرافیای سیاسی کشور و منطقه ما پس از فروپاشی نظام شوروی و یکپارچه شدن بازار جهانی سرمایه داری، بیش از پیش با جنگ و تسلیحات در منطقه خاورمیانه نفتی پیوند خورده است. بدین ترتیب، بر اساس سازه های تاریخی، جغرافیایی، و فرهنگی، یک پیوند و همسوئی ارگانیک بین معماران نظم نوین جهانی و رژیم اسلامی در راه **حفظ رکود و توسعه نیافتگی ایران** به وجود آمده است. این است که رژیم سرکوب میکند، توده های محروم و استنثار شده حزب الهی ندای الله اکبر سر میدهند، و رسانه ها و استراتژی سازان جهانی رضامندانه بر آنها نظاره میکنند.

در این میان، هر چه زمان میگذرد، کشور و توده های محروم کشور ما هر چه بیشتر در باطلاق عقب ماندگی و توسعه نیافتگی اجتماعی و فرهنگی فرو میروند و بیش از پیش از دردهای ناشی از این بنیادگرایی و عقب ماندگی تاریخی رنج میبرند.

اما با این وجود، اکنون دیگر به تجربه آموخته ایم که حتی برنامه ها و استراتژی های استعمار نو جهانی بدون پذیرش، تسلیم و مشارکت ما مردم ایران قابل تحقق نبوده و نیست. میدانیم که حتی اگر کلید همه اختیارات جهانی در دست سیاست سازان و معماران نظم جهانی هم بوده باشد، که نیست!، نوع حضور، جانبداری و دخالت ما مردم ایران در این یا آنسوی قضایا و دسته بندی های سیاسی از نظر نوع سرنوشتی که برای ما رقم میزنند، نقشی کلیدی و تعیین کننده ایفا میکنند. بدون شک اگر ما مردم ایران، و از آن میان ما مردم شهرنشین ایران، در دوره خیزش و فروپاشی انقلاب ۱۳۵۷، دگرگونه عمل میکردیم، سرنوشت جبری تلقی شده امروزی ما و کشورمان

نیز به شکل دیگری رقم میخورد و با بازیگران دیگری به اجرا در می‌آید. برای مثال، اگر بخش بزرگی از مردم ایران در سالهای قبل و بعد از انقلاب، اینهمه گرایش اسلامزدگی از خود نشان نداده بودند، یا از بین آنهمه آلترناتیو‌هایی که در آن دوره به وجود آمده و عرضه شدند، یا در این حد و حدود به رهبری خمینی و تقلید از ملایان گردن نهاده، و در ابعاد میلیونی به استقبالش نشتافته و در برابر اقامتگاهش رژه نرفته بودند، یقیناً استراتژی سازان جهانی برای رسیدن به اهداف خود، آلترناتیو مردم‌پسندتر دیگری را ترجیح میدادند.

این همه نشان میدهد که برخلاف اینهمه ناامیدی و بدبینی ناشی از شکست آزادیخواهان و سرکوبی مبارزات آزادیخواهی، هنوز هم ما مردم ایران از نظر نوع سرنوشتی که استراتژی سازان جهانی برای ما و کشور ما تدارک می‌بینند، نقش کلیدی و تعیین‌کننده ایفا میکنیم، و هنوز هم اختیار گزینش این یا آن نظام سیاسی و هیأت حاکمه را در دست داریم.

این است که ما مردم ایران، به خصوص مردم برآمده از طبقه متوسط شهرنشین ایران،

- هم به سهم خود مسئولیت دوام و بقای رژیم اسلامی تاریخی را قسمت میکنیم، و،

- هم مسئولیت نجات کشور و مردم مان از این عقب ماندگی تاریخی را به عهده داریم.

این مائیم که در نهایت سرنوشت تاریخی خود را برگزیده و برمیکزینیم. این مائیم که در زمانش انتخاب بدی انجام داده و حالا هم دردش را میکشیم "گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست" و،

این مائیم که باید این بار و بارهای بعد به انتخابی دست بزینیم که بعداً درد و غمش را نخوریم.

دوستان و رفقا

درست در این شرایط سخت تاریخی، بسیاری نه فقط در لباس مأمور، وظیفه دار و جیره خوار، بلکه حتی در مقام انواع پوپولیستها و فرصت طلبان سیاسی که خود را "اصلاح طلب" و "طرفداران این یا آن جناح رژیم اسلامی" معرفی میکنند، به عمد یا به سهو، برای ابدی کردن "نظام حاکم کم توسعه یافتگی نواستعماری موجود" به هر راهی سر میزنند. دروغزنی و

شبهه سازی در مورد "اصلاحات" و "جامعه مدنی بی" که گویا قرار است به دست این مأموران استعمار نو حاکم (این یا آن سید و آخوند و بچه آخوند، و این یا آن آیت الله، حجت الاسلام و بنیادگران اسلامی با یا بی ریش و روسری) در سرزمین اسلامزده ایران برپا گردد، از آن جمله است.

امروزه رژیم اسلامی با بهره مندی از این دستجات و شبهه ها و باورهای پریشان و واژگونه "اصلاح طلبی بی" که از چنین رژیم و جناح هایش ساخته نیست، تا به جایی پیش رفته که دیگر حتی کنترل اعتراضات ایرانیان مقیم خارج از کشور را هم به دست گرفته است. به طوری که هر وقت خواست، حادثه و جنایتی مرتکب شده و حرکات مخالفی را سبب میشود، و هر وقت هم خواست، دست تعرضات و تجاوزاتش را کوتاه نگه میدارد تا مخالفان خود در داخل و خارج کشور را مجبور سازد تا حکمرانی و اربابیت کاست آخوندی و تسلط قوانین قصاص شرعی اش را با سکوت و سکون بپذیرند. تا با سکوت خود، بگذارند بانیان نظم وحشی شریعتمداری اسلامی، بازگشت تاریخی این کشور و مردم به دورترین بنیادهای تاریخی بیابانهای عربستان ۱۴۰۰ سال پیش را همچون سرنوشتی محتوم پیش ببرند.

برای تغییر این شرایط سخت تاریخی، **اپوزیسیون ترقی خواه ایران** مجبور به پیشبرد مبارزه رهایی بخش در چند جبهه است، چرا که هم "رژیم بنیادگرای اسلامی" و هم "مناسبات نواستعماری خارجی" محصول "عقب ماندگی تاریخی" کشور و جامعه ماست. عقب ماندگی یک ارثیه تاریخی است و "نظام اسلامی نواستعماری" موجود فقط یک حادثه از این گذر تاریخی است. هم از این رو، نیروهای اپوزیسیون ترقی خواه ایران برای نجات مردم و کشورشان از این شرایط رو به زوال تاریخی، مجبور به پیش بردن نبرد بود و نبود، هم با جمهوری اسلامی و یاران و یاوران نواستعماری خارجی اش، و هم با نهادها و ریشه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عقب ماندگی است.

اما برای انجام این مهم، اپوزیسیونی آگاه، زنده، توانمند، تولید کننده، بالنده و راهگشا و پیشگام لازم است.

با این وجود، امروزه همزمان که اپوزیسیون لائیک آزادیخواه در داخل کشور به شدیدترین وجه ممکن سرکوب میشود، در خارج از کشور هنوز هم گرفتار **بحرانهای بی هویتی و بی برنامگی** است. دردمندان باید اعتراف کرد که تا زمانی این بحرانها باقی اند، این اپوزیسیون و نهادها و سازمانهای مختلف آن

قادر به تولید هیچ آلترناتیو مناسب زمان و مکان امروزی، چه در عرصه های فکری، ایدئولوژیکی، فرهنگی و علمی، یا در زمینه های سیاسی و سازماندهی نیستند و نخواهند بود.

این بحرانها البته نه فقط از سرکوبی سنگین داخلی و خارجی، بلکه همچنین از این واقعیت هم نشأت میگیرند که در یک جامعه گرفتار پس افتادگی تاریخی، این فقط رژیم نیست که از شرایط عقب ماندگی بی که علت وجودی اش را تشکیل میدهد پاسداری میکند، بلکه اپوزیسیون و حتی نیروهای الیت آن نیز به این آسانی ها قادر به رها کردن خود از عواقب و عوارض عقب ماندگی و ریشه های پوسیده و زهرآگین فرهنگی و سنتی آن نمی شوند.

این است که صرف خواستن و گفتن و برخاستن و دل به شادی های کوچک و مقطعی "اپوزیسیون بازی های معمول" خوش کردن، به تنهایی راه به جانی نمیرد و درد تاریخی این مردم و کشور را درمان نمیکند. باید برای رهیدن از این سیر نزولی و مقابله با عواقب و آثار این "عقب ماندگی تاریخی" راه چاره جست. باید برای تغییر راه و روش سنتی و رهائی از موانع و بازمانده های گذشته های قرون وسطائی، فکری تازه در میان نهاد. باید برای خرد کردن ریشه های مسموم فرهنگی در همه نهادهای فکری و اجتماعی جامعه راه حلی یافت و ارائه داد.

فراموش نکنیم که در افتادن با این عقب ماندگی تاریخی و زدودن آثار آن، نه ساده و نه آسان است. داستان تاریخی شاهنامه در مورد پرواز هزاران مرغ مشتاق به سوی کوه قاف، و رسیدن فقط سی مرغ از این همه به قلّه پیروزی است.

فراموش نکنیم که هم جمهوری اسلامی و هم سرکوبی مخالفان در ایران اسلامی، فرزند مشروع این عقب ماندگی تاریخی اند. هم از این رو، حتی حذف نظام جمهوری اسلامی،

(ولو اگر به تنهایی هم مانع بزرگی را از سر راه پویش تاریخی کشورمان به سمت و سوی آزادی و دموکراسی برمیدارد)،

- نه به مفهوم پایان یافتن این عقب ماندگی تاریخی و،

- نه تضمینی برای نروئیدن خار دیگری از دیکتاتوری و سرکوبگری در این شوره زار توسعه نیافتگی است.

در این رابطه است که مبارزه برای از میان برداشتن نظام جمهوری اسلامی لزوماً باید با مبارزه برای رهایی از "بازمانده های فرهنگی و ذهنی این عقب ماندگی تاریخی" همراه شود، و به طور مستمر، درازمدت و قانونمند در همه عرصه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تکنولوژیکی و فنی ادامه یابد.

دوستان!

می بینیم که ما نه فقط در ایران و در زمینه سیاسی و فرهنگی، بلکه همچنین در همین اروپا و آمریکا و در همه زمینه های زندگی مان به یک خانه تکانی اساسی نیاز داریم. ما نیازمند رهایی از بازمانده های فرهنگی و دینی گذشته های دور، و جایگزین کردن آنها با فرهنگ "عصر نوین جهانی" هستیم. ما نیازمند نه فقط یک انقلاب سیاسی و فرهنگی علیه نظام حاکم اسلامی، بلکه همراه با آن، نیازمند انقلابی همه جانبه برای رهایی از عقب ماندگی و آثار و بازمانده های آن در همه عرصه های زندگی مان هستیم. ما و مردم ما تا زمانی که در این ضرورت های تاریخی موفق نگشته ایم، راهی جز گردن نهادن به سرنوشت محتومی که معماران و استراتژی سازان نظم حاکم جهانی و مزدوران اسلامی شان تدارک دیده و خواهند دید، نخواهیم داشت.

اما کی و چه کسانی میتوانند نیروی محرکه یک چنین حرکت رهایی بخش باشند؟ چه کسانی میتوانند به عنوان نیروی پیشاهنگ این تحولات و انقلابات فرهنگی- تاریخی سرنوشت ساز عمل بکنند؟ چه کسانی میتوانند و باید بتوانند این انرژی های پراکنده ولی پرقدرت و روینده در داخل و خارج کشور را در کانالهای جاری مبارزه برای رهایی، متحد کرده و برای ساختن و پرداختن "عصر نوین ایران" به کار ببندازند، جز شماها، جز همه ماها و جز همه آنانی که:

- قلب بشردوستی برای دوست داشتن،
- وجدان بیداری برای احساس مسئولیت اجتماعی و،
- چشم بینائی برای دیدن، گوشه برای شنیدن، زبانی برای گفتن و مغزی برای اندیشیدن دارند. جز آنانی که مصمم اند و همچنین میتوانند به طور سازمانیافته، این همه را در فضائی رها از سانسور و سرکوبی، برای یاد گرفتن، یاد دادن و مبادله کردن به کار بگیرند.

این کار البته کار یک روز و یک فرد و یک جمع نیست، اما همانند رویش گیاهی است که هر زمان میتواند با مواظبت یک عده انسان مسئول و عاشق جوانه بزند و تا به هنگامه بیداری توده ها ریشه دوانیده و گل دهد.

دوستان!

اینجاست که تجمع شما در جایی دور از خانه و کاشانه بر جا نهاده تان در میهن مان ایران، برای یاری دادن به جنبش رهائی بخش کشورمان، معنی و مفهوم پیدا میکند.

شنیدم که در نشست سال قبل تان بیانیه زمستان ۱۳۷۶ را مورد بحث قرار داده و راههای برخورد با ارتجاع سیاسی معروف به "دو خردادی ها و اصلاح طلبان رژیم اسلامی" را مورد بررسی قرار داده بودید. امیدوارم نشست امسال تان را صرف بحث در مورد "راههای برون رفت از "عقب ماندگی تاریخ همچون بستر دیکتاتوری اسلامی در ایران" بکنید، و تا نشست سال آینده، پرچم مبارزه و رهائی از جرثومه های سیاسی و دینسالاری این عقب ماندگی تاریخی و فرهنگی را با توان و افتخار به دوش بکشید. لطفا احترامات و بهترین آرزوهای من را برای موفقیت تان در این راه خطیر رهائی بخش بپذیرید

رضا آیرملو - دکتر جامعه شناس و دانشیار دانشگاه گوتنبرگ - سوئد

کتابهای فارسی زبان منتشره در سوئد به قلم نویسندگان

(جهت خرید و توزیع این کتابها ر. ک. به انتشاراتی اینواند- لیتراتور از طریق آدرسهای زیر، و همچنین کتابفروشیهای معتبر ایرانی در خارج از کشور)

Info@professor-reza.com

www.professor-reza.com

- استراتژی استعمار نو، تجدید چاپ در خارج: انتشاراتی آرش، ۱۹۸۷، استکهلم، سوئد. (کمیاب)
- زن و اسلام علی شریعتی، انتشار کتابفروشی خیام، ۱۹۹۶، گوتنبرگ، سوئد. (کمیاب)
- مدینه فاضله ایرانی از امام زمان تا امام زمان، انتشاراتی اینواند- لیتراتور، چاپ دوم، ۲۰۰۰، سوئد. (کمیاب)
- زن در گرداب شریعت، انتشاراتی اینواند- لیتراتور، ۱۳۸۱ شمسی/ ۲۰۰۲ میلادی، سوئد.
- توسعه مدرنیسم و اسلام گرایی در ایران و ترکیه، ترجمه از متن سوئدی به فارسی به وسیله "نویسنده و جمعی از علاقمندان به دانش های اجتماعی"، انتشاراتی اینواند- لیتراتور، ۱۳۸۲ شمسی/ ۲۰۰۳ میلادی، سوئد.
- قرائت قرآن غیر دینی، جلد ۱: - «محدودیت های قرآن، و تحریفات قرائت رسمی و با واسطه»، اینواند- لیتراتور، ۱۳۸۵ شمسی/ ۲۰۰۶ میلادی، سوئد.

- قرانت قرآن غیر دینی، جلد ۲: - «منشأ دین و ایمان دینی، و سیر تحول کتاب و "قرآن دینی"»، اینواند- لیتراتور، ۱۳۸۶ شمسی/ ۲۰۰۷ میلادی، سوئد.
- قرانت قرآن غیر دینی، جلد ۳: - «چرائی عدم اعتبار "قرآن غیر دینی"، و تکوین تاریخی حکومت و شریعت اسلامی»، اینواند- لیتراتور، ۱۳۸۷ شمسی/ ۲۰۰۸ میلادی، سوئد.
- جامعه‌شناسی نجات ایران - گره‌های ساختاری و راه‌های برون‌رفت، اینواند لیتراتور، چاپ اول ۱۳۹۰ شمسی/ ۲۰۱۱ میلادی، چاپ دوم ۱۳۹۱ شمسی/ ۲۰۱۲ میلادی، سوئد.
- خیزش و فروپاشی اتویبای انقلاب ۱۳۵۷ (و عواقب روانی-اجتماعی آن)، اینواند- لیتراتور، ۱۳۹۱ شمسی/ ۲۰۱۲ میلادی، سوئد.

اختصاص کمک مالی از سوی «بنیاد علمی»-

فرهنگی آیرملو»

برای انتشار آثار سانسور شده نویسندگان و هنرمندان ایرانی

«بنیاد علمی- فرهنگی آیرملو»، نسبت به مورد و به خاطر نیل به منظوره‌های زیر، برای انتشار تعدادی از آثار نوشتاری، صوتی و تصویری نویسندگان و هنرمندان ایرانی کمک مالی و حمایت معنوی اختصاص می‌دهد:

- ۱- اعتلای فرهنگ و دانش در بین ایرانیان مقیم داخل و خارج کشور،
- ۲- حمایت از کسانی که انتشار آثارشان در ایران ممنوع است،
- ۳- زنده نگه‌داشتن آثار ممنوعه و احیای افکار بیدار و سازنده ای که در ایران ممنوع و غیر قابل انتشار اند،
- ۴- ترغیب نوزائی علمی- فرهنگی در بین ایرانیان، و همچنین تشویق اندیشمندان، محققین، روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان ایرانی برای تحقیق و تولید هر چه بیشتر آثار و ادبیات روشنگرانه اجتماعی، سیاسی، دینی، اقتصادی و فرهنگی‌یی که می‌توانند در راه رهایی این کشور و مردم از باطلاق تاریخی-فرهنگی موجود، سودمند و رهایی بخش باشند.

ضروریتهای پایه ای برای دریافت کمک عبارتند از:

- ۱- آثاری که به زبان فارسی، یا زبانهای دیگر ایرانی نگارش یافته، تهیه شده (و) یا قابل درک و فهم باشند.
- ۲- آثاری که در زمینه اختصاصی و فنی خود، نوآور، ارزشمند و با کیفیت بالا ارزیابی شوند.

۳- آثاری که از نظر تنویر افکار عمومی به شرح فوق، روشنگر و آزادبخش باشند.

۴- آثاری که سانسور شده، یا قابل انتشار در ایران نباشند.

۵- آثاری که قبلاً منتشر نشده، یا اگر هم شده، فاقد نسخه های قابل مراجعه عموم اند.

۶- آثاری که با وجود ویژگی های مذکور، به سببهای مختلف، از جمله ترس از ضرر مادی و ناشناس بودن صاحب یا موضوع اثر، در خارج از کشور منتشر و عرضه نمی شوند.

به باور ما، احترام به "آزادی بیان" بدون احترام به دگراندیشی و "دگراندیشان مخالف عقیده و نظر رایج و خودی" ممکن و میسر نیست. از این رو، برای تحقق "آزادی بیان" مورد انتظار این بنیاد، تمامی این ارزیابی ها بر اساس احترام تام و تمام به اصل اساسی "دگراندیشی" انجام خواهد گرفت و هیچ اثری به صرف فکر، عقیده و اندیشه مغایر یا مخالف بانیان و همکاران این بنیاد مردود شناخته نخواهد شد. البته این اصل شامل آثاری که این یا آن نوع دیکتاتوری، نژادپرستی، دین سالاری و نابرابری های جنسی، قومی و غیره را توجیه یا تبلیغ میکنند، یا علیه آزادیها، حقوق و برابری های مندرج در منشورهای حقوق بشر نشانه میگیرند، نمی شود.

علاقمندان میتوانند برای اطلاعات بیشتر و معرفی آثار مورد نظر خود از طریق سایت، ایمیل و فیس بوک زیر تماس حاصل فرمایند

info@professor-reza.com

www.professor-reza.com

www.facebook.com/foundation.professor.eyrumlu

"بنیاد علمی- فرهنگی آیرملو"

لطفا این آگهی را به نام دفاع از آزادی بیان از طرق مقتضی به اطلاع دیگران برسانید.